

کودکان

== کتاب مقدس ==



مجموعه "کودکان کتاب مقدس"

درس چهارم : داستان یوشیا

گروه سنی: ۴-۸ سال

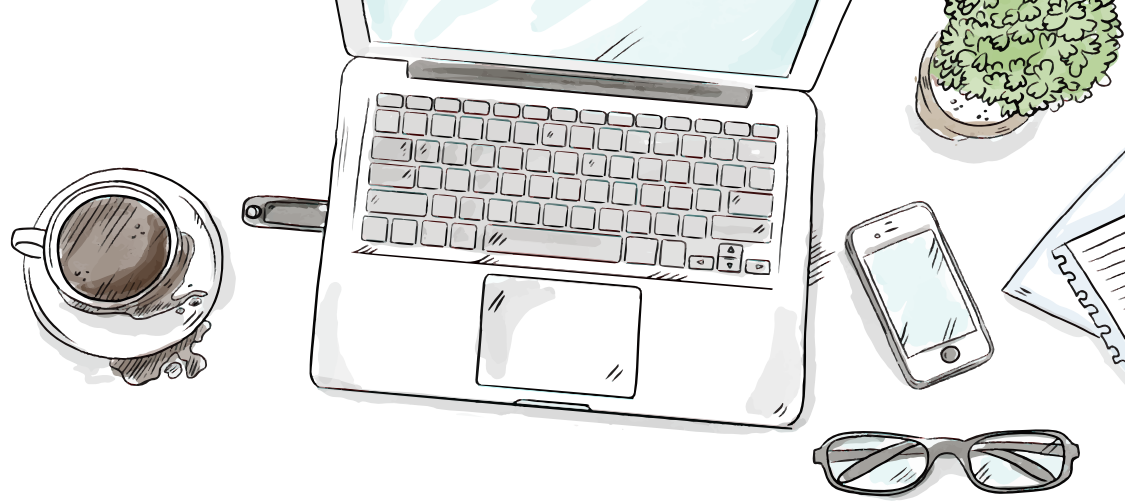
هدف: گرچه کوچیکم اما من می‌تونم از همین الان
خدا رو دوست داشته باشم.

آیات کلیدی: دوم پادشاهان ۲۲: ۱-۲

و دوم پادشاهان ۲۳: ۱-۳



سازمان ایلام ، کلیه حقوق محفوظ می باشد ۲۰۲۱ ©



سخنے با مربے:

کودکان از بدو تولد نیاز دارند تا احساساتی مانند دوست داشتن و دوست داشته شدن را دریافت و درک کنند. کودکان باید از روزهای نخستین زندگی، دوست داشته شدن را در محیط خانواده احساس کنند. در غیر این صورت، در ایام بزرگسالی در محیطی خارج از منزل به دنبال این احساس می گردند. عشق و دوست داشتن تعاریف گسترده ای دارد که معنا و مفهوم آن از نظر کودکان نیز متفاوت است. برخی کودکان در آغوش گرفتن و برخی دیگر محبت کردن را عشق می دانند، اما موضوع دارای اهمیت این است که عشق از نگاه یک کودک، درکی است که از اطرافیانش بدست می آورد.

این موضوع از آنجا دارای اهمیت است که توانایی عشق ورزیدن در کودکان باعث می شود در ایام بزرگسالی، اعتماد به نفس و عزت نفس آن ها افزایش یابد. کودکان از بدو تولد اولین تجربه وابستگی و محبت شان را در ابتدا نسبت به مادر و در ادامه نسبت به پدر و سایر اقوام بدست می آورند. همچنین بیشتر کودکان پس از شناخت پدر و مادر خود، از دو سالگی به بعد احساس مالکیت و دوست داشتن شدیدی نسبت به وسایل و اسباب بازی های خود پیدا می کنند. این احساس دوست داشتن و محبت حس زیبایی است که خدا همه انسان ها را با آن خلق کرده است، زیرا او خود خدای محبت است.

لازم است که کودکان در خانواده بیاموزند که محبت و دوست داشتن را نسبت به خداوند، نیز داشته باشند و اهمیت این موضوع را درک کنند، ولی شاید در بعضی خانواده ها، اهمیت این امر بیان نشود و حتی پدر و یا مادر مخالف این موضوع باشند. اما کودکان باید بدانند پیروی کردن از خدا و محبت کردن او انتخاب شخصی آنان است حتی اگر خانواده آن ها این ضرورت را در زندگی شان نداشته باشند. مانند پدر یوشیا، با اینکه پادشاه قوم بود اما خدا را اطاعت و پیروی نمی کرد ولی این انتخاب شخصی یوشیا بود که خدا را پیروی کرده و او را محبت کند.

درک این موضوع که ما خدا را بیشتر از پدر و مادرمان دوست داریم و محبت می کنیم، برای کودکان در این گروه سنی بسیار دشوار است. بنابراین با آگاهی از این موضوع، معلم باید به شکلی این قسمت را بیان کند که برای کودک، تعلیمی باشد که احساس دوری از والدین، ترس و جدایی راه آن ها از خانواده شان داده نشود. پس برای این گروه سنی، تمرکز این داستان روی مفهوم محبت و دوست داشتن خدا است.

در این کمک آموزشی، به طور ویژه اشاره به زندگی یوشیا شده است. اشاره به قسمتی از زندگی او که تصمیم گرفت خدا را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خود محبت کند.

کودک با یادگیری داستان یوشیا می آموزد که حتی اگر اطرافیان ما خدا را پیروی نکنند یا دوست نداشته باشند، ما می توانیم با انتخاب شخصی خود خدا را پیروی کرده و او را محبت کنیم. همچنین او می آموزد که خدا به سن نگاه نمی کند بلکه هر کدام از ما، در هر سنی که باشیم، می توانیم خدا را دوست داشته باشیم و او را پیروی کنیم.



آمادگی برای ورود به داستان:

ایده اول:

عروسک یوشیا

زمان: ۵ تا ۷ دقیقه

هدف: خردسال با این کار عملی، خود از همان ابتدا وارد داستان می‌شود و با شخصیت یوشیا ارتباط برقرار می‌کند.

اگر جلسات شما مجازی برگزار می‌شود، لطفاً از قبل فایل الگوها را برای والدین ارسال کنید و از آن‌ها بخواهید تصاویر را پرینت بگیرند و وسایل مورد نیاز را برای خردسال خود در این جلسه آماده کنند.

وسایل مورد نیاز: الگوی عروسک یوشیا، چسب مایع، قیچی، رول دستمال توالیت. الگوی داده شده را برش داده و بر روی رول دستمال توالیت بچسبانید. دست‌ها و وسایل دیگر را بر طبق سلیقه خود به آن اضافه کنید. (الگوها در انتهای درس قرار دارند)

ایده دوم:

محبت رنگی

زمان: ۱۰ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق این بازی، می‌توانند راه‌های مختلف محبت کردن را بیاموزند.

وسایل مورد نیاز: کاغذ، مدادرنگی، چشم بند.

توضیحات:

به هر کدام از بچه‌ها یک کاغذ و مدادرنگی بدهید. از آن‌ها بپرسید وقتی به کلمه محبت فکر می‌کنند اولین چیزی که به ذهن‌شان می‌آید چیست؟

به طور مثال: قلب قرمز، گل، هدیه و ...

بعد از اینکه بچه‌ها جواب دادند، چشمان آن‌ها را ببندید و از آن‌ها بخواهید با چشمان بسته تصویر ذهنی خود را روی کاغذ بکشند.

بعد این که همه نقاشی خود را کشیدند از آن‌ها بخواهید چشمان خود را باز کنند و نقاشی خود را به یکدیگر نشان دهند، و بعد مشغول رنگ‌آمیزی نقاشی‌های خود شوند.

در این میان به آن‌ها بگویید که ما با چیزهای

مختلف مثل هدیه دادن، احترام گذاشتن به دیگران و ... می‌توانیم محبت خود را نشان دهیم.

اگر بچه‌های کلاس شما کمک آموزشی مدادرنگی‌های محبت را پشت سر گذاشته‌اند می‌توانید انواع راه‌های محبت که در آن کمک آموزشی یاد گرفتند را، به آن‌ها یادآوری کنید.

وارد شدن به دنیای کتاب مقدس:

ایده اول:

داستان یوشیا

زمان: ۹ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق شنیدن و دیدن، داستان یوشیا را می‌آموزند.

توضیحات:

با استفاده از ویدیو "مگول"، داستان یوشیا را برای بچه‌ها پخش کنید.

[لینک "داستان یوشیا"](#)

ایده دوم:

داستان یوشیا همراه با ماکت

زمان: ۱۰ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق دیدن و شنیدن داستان یوشیا، خود قسمتی از این داستان می‌شوند و آن را می‌آموزند.

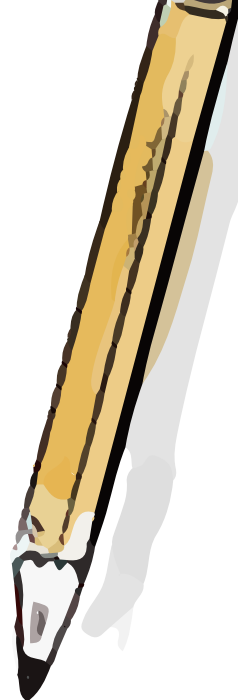
توضیحات:

ممکن است در کانون شادی شما خردسالانی باشند که داستان یوشیا را از قبل شنیده باشند، برای اینکه از تکرار جلوگیری شود شما می‌توانید با خلاقیت خود و با کمک خود بچه‌ها داستان یوشیا را به تصویر بکشید.

از قبل یک ماکت کوچک با استفاده از یک جعبه کفش درست کنید.

عروسک یوشیا را به همراه پدرش، پدربزرگش، تخت پادشاهی، ستون‌ها و ... را درست کنید و آن‌ها را در جعبه کفشی که از قبل آماده کرده‌اید قرار دهید.

ماکت را به کلاس بیاورید و به بچه‌ها فضای زندگی یوشیا را نشان دهید. در طی داستان اشیای مختلف مانند پدرش، پدربزرگش و ... را به ماکت اضافه کنید و اگر از بچه‌ها کسی این داستان را به یاد دارد، اجازه دهید داستان یوشیا را به صورت خلاصه



پس یوشیا هم تصمیم گرفت خدا را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خود دوست داشته باشد و خدا را اطاعت کند.

یوشیا سی و یک سال در آن سرزمین پادشاه بود و در تمامی آن روزها کارهای درستی انجام داد. خدا هم یوشیا را دوست داشت و در تمام آن سال‌ها به او کمک می‌کرد.

بعد از اینکه داستان به پایان رسید از بچه‌ها بخواهید در طی هفته آینده با استفاده از یک جعبه کفش و یوشیا که در ابتدای جلسه درست کردند، آن‌ها نیز ماکت خود را تکمیل کنند.

نتیجه‌گیری:

به بچه‌ها توضیح دهید همانطور که در داستان هم شنیدیم، یوشیا فهمیده بود او در هر سنی که باشد، چه کوچک باشد چه بزرگ، می‌تواند خدا را دوست داشته باشد و او را پیروی کند. امروز همه ما هم در هر سنی که باشیم، چه کوچک باشیم چه بزرگ، می‌توانیم خدا را محبت کنیم، او را دوست داشته باشیم و به حرف‌های خدا گوش بدهیم. فقط پدر و مادرها یا بزرگترها نیستند که می‌توانند خدا را دوست داشته باشند، همه ما در هر سنی که باشیم می‌توانیم خدا را محبت کنیم. ما با اطاعت کردن از خدا، با دعا کردن، با خواندن کتاب مقدس و... می‌توانیم محبت خود را به خدا نشان دهیم و او را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خودمان محبت کنیم.

از بچه‌ها بخواهید لحظاتی چشمان خود را ببندند و دست‌شان را روی قلب‌شان بگذارند و در دل خود به خدا یک جمله محبت‌آمیز بگویند. مانند: "خدایا دوستت دارم" (اگر بعضی از بچه‌ها زمان بیشتری برای این کار احتیاج دارند، به آن‌ها فرصت و زمان بیشتری دهید)

بعد از اینکه همه جملات خود را به خدا گفتند، از بچه‌ها بخواهید اسم و سن خود را در اول این جمله بگذارند و تک‌تک آن‌ها این جمله را اعلام کنند:

من ... (اسم کودک) کوچیکم و ... (سن)، خدا رو خیلی دوست دارم!

برای بقیه تعریف کند و شما همراه با او داستان را با عروسک‌ها تکمیل کنید.

می‌توانید فایل الگوی شخصیت‌ها را دانلود کرده، پرینت بگیرید و در این ماکت از آن‌ها استفاده کنید (لطفاً تصویر ماکت را به بچه‌ها نشان ندهید تا با هیجان و کنجکاوی بیشتر شخصیت‌ها ساخته شوند)

خلاصه داستان یوشیا:

آمون پادشاه سرزمین اورشلیم بود و یک پسر اسم یوشیا داشت.

یوشیا به همراه پدر و مادرش در قصر زندگی می‌کردند.

پدر یوشیا و پدر بزرگ او خدا را دوست نداشتند و کارهای بدی انجام می‌دادند، حتی کتاب مقدس که یک گنج بود را گم کرده بودند.

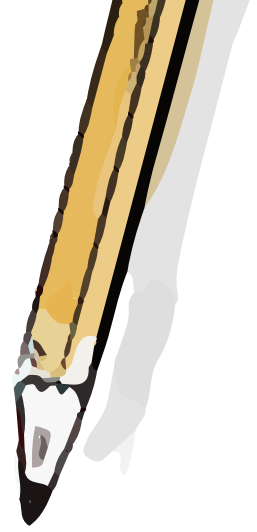
اما یوشیا مانند داوود که پادشاه بسیار خوبی بود، خدا را خیلی دوست داشت و می‌خواست کارهایی که درست بود و خدا از آن‌ها خواسته بود را انجام دهد.

وقتی پدر یوشیا فوت کرد، یوشیا هشت سالش بود و به جای پدرش پادشاه شد.

یوشیا در اول دوران پادشاهی‌اش از تمام مسئولیت‌ها و کارهایی که باید به عنوان پادشاه انجام دهد می‌ترسید. اما او می‌دانست که اگر به حرف خدا گوش دهد و کارهای درستی که خدا از او می‌خواهد را انجام دهد، خدا در این مسیر او را کمک خواهد کرد. پس یوشیا رفت و اون گنج یعنی کتاب مقدس را پیدا کرد. گنجی که خیلی از مردم فراموش کرده بودند که وجود دارد، حتی فراموش کرده بودند که خدا در کتاب مقدس چه قانون‌هایی داده بود.

یوشیا دوباره به همه مردم، به بچه‌ها، به مامان و باباها، به مامان بزرگ‌ها و بابا بزرگ‌ها یادآوری کرد که چه قانون‌هایی خدا به ما داده که مهم‌ترینش این است که با تمام قلب و جان و قوت‌مان خدا رو محبت کنیم و دوست داشته باشیم.

یوشیا می‌دانست که خدا او را دوست دارد و برای خدا سن یوشیا مهم نیست و او می‌تواند از همین سن شروع به پرستیدن خدا کند.



مثال: من رکسانا، کوچیکم و ۵ سالمه، خدا رو خیلی دوست دارم!
من امیرعلی کوچیکم کوچیکم و ۷ سالمه، خدا رو خیلی دوست دارم!

کارگاه اجرایی:

آیه حفظی مرقس ۱۲: ۳۰-۳۱

ویدیو زیر را برای بچه‌ها پخش کنید. به بچه‌ها کمک کنید تا همه بتوانند این آیه را با حرکات یاد بگیرند و حفظ کنند.

• [لینک ویدیو آیه حفظی](#)

در انتها سرود زیر را برای بچه‌ها پخش کنید و جلسه خود را به اتمام برسانید.

• [سرود پرستشی "او را می‌پرستم"](#)





